**( 125 )**

**هو الله**

ای عباد حق و اماء رحمن عشق ز اول سركش و خونی بود تا گریزد انكه بیرونی بود از لوازم حب صادق تحمل بلایا و محن سابق و لاحق است عاشق مفتون همواره اغشته بخونست و مشتاق دیدار همیشه اواره دیار فنعم ما قال عاقلان خوشه چین از سر لیلی غافلند كین كرامت نیست جز مجنون خرمن سوز را لهذا در جمیع قرون و اعصار ابرار هدف تیر بلا بودند و مقتول سیف جفا گاهی جام بلا نوشیدند و گهی سم جفا چشیدند و دمی اسایش و راحت ندیدند و نفسی در بستر عافیت نیارمیدند بلكه عقوبت شدید دیدند و بار محنت هر یزید كشیدند و در سجن و زندان دل از جهان و جهانیان بریدند لهذا اكثر اولیای الهی در مشهد فدا شهید گردیدند صبح هدی حضرت اعلی در افق فدا افول فرمود حضرت قدوس بدلبر شهادت كبری مانوس شد جناب باب در قربانگاه عشق فتح باب نمود حضرت وحید در میدان جانبازی فرید گشت جناب زنجانی در دشت بلا قربانی شد حضرت سلطان الشهداء بمشهد فدا شتافت جناب محبوب الشهداء در قربانگاه الهی بشارت كبری یافت حضرت اشرف در معرض شهادت بشرف عظیم مشرف گشت حضرت بدیع در مورد فنا سبحان ربی الابهی گفت شهدای ارض یا ساغر صهبای شهادت كبری را بنهایت حلاوت نوشیدند شهدای شیراز در میدان عشق با نغمه و اواز جانبازی نمودند كشتگان دشت نی ریز از جام لبریز سرمست گشتند شهدای تبریز در میدان جانفشانی شوری انگیختند و رستخیزی نمودند جانبازان مازندران رب اختم علینا هذه الكاس الطافحة بالرحیق فریاد نمودند شهدای اصفهان بنهایت روح و ریحان جانفشانی كردند خلاصه نوك خاری نیست كز خون شهیدان سرخ نیست و ارضی نیست كه بدم عاشقان رنگین نگردید مقصود اینست تا بدانید كه تحمل بلایا و محن و شهادت در سبیل ذو المنن از ائین دیرین عاشقانست و منتهی ارزوی مشتاقان پس شكر كنید خدا را كه از این ساغر جرعه‌‌‌ئی نوشیدید و از بلایای سبیل ان دلبر سم قاتلی چشیدید این زهر نه شهد و شكر است و این تلخ نه قند مكرر است فیا شوقی الی كل بلاء فی سبیل الله و یا طربا من كل مصیبة فی محبة الله و یا طوبی لمن ذاق مرا لجفا حبا بجمال الله و یا طوبی لمن خاض فی بحر الرزایا شوقا الی لقاء الله در هر دم باید صد شكرانه نمود كه مورد بلا در سبیل هدی شدید و معرض جفا حبا بحضرت كبریاء گردیدید عاقلان از حلاوت این كاس بیخبر ولی عاشقان از نشئه این باده سرمست و پر طرب هر دیده بینا كه روی ان دلبر رعنا دید اشفته گردید جانفشانی نمود و هر گوش شنوا كه ان نغمه ربانی بشنید مستمع از فرط طرب جانبازی فرمود پروانه عشق حول سراج الهی بال و پر بسوزد و سمندر حب در اتش عشق برافروزد مرغ بیگانه را از حرارت این اتش بهره و نصیب نه و طیر ترابی را در این دریای الهی خوض و شنائی نیست الحمد لله شما ماهیان این دریائید و مرغان این صحرا و پروانه‌های این شمع و بلبلان این چمن و علیكم البهاء الابهی (ع ع)